

## حاضر به ترک سوئیس نشدم

ارنستو برتاری، میلیاردر و قایقران مشهور، در سوئیس به دنیا آمد.در سال ۱۹۸۵ وارد کمپانی «سرونو» شد.اندکی بعد طرح و ایده‌های او پیرامون فعالیت کلی کمپانی، سبب انتقال او به حوزه‌اداری شد. سپس به دلیل توانمندی‌های بالای که از خود نشان داد توانست وارد هیئت‌مدیره و سرانجام رییس کمپانی شود. برتاری تعریف می‌کند: «زمانی که می‌خواستم در صنعت داروسازی کشور فعالیت کنم، بسیاری از متخصصان انگلیسی که با توانایی من آشنا بودند من را از این کار نهی کردندو گفتند که سوئیس کشور مناسبی برای این کار نیست اما زمانی که برخلاف نظر آن هادر کشور خودم این کار را آغاز کردم وبه این موفقیت بزرگ دست یافتم، تک‌تک آن‌ها از انگلستان برای همکاری به سوئیس آمدند!»

یکشنبه ● ۲۷ تیر ۱۳۹۵ ● شماره شصت و دو

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

### گفت و گو با مینا کار جوان اصفهانی

# شش جفت کفش پاره کردم تا سفارش گرفتم!



امیدوارم همین‌طور که لباس‌های صنایع‌دستی مورد استقبال مردم قرار گرفته و جزئی از زندگی روزمره‌آن‌ها شده، میناکاری هم به همین صورت جزئی از زندگی روزمره مردم شود



● **فاطمه علی اصغر** ●

faliasghar9@gmail.com

|||||

«از بچگی به کلاس‌های طراحی می‌رفتم. اما تمام امیدها و علائقم در دوران مدرسه و تحصیل کم و کمرنگ شد.» دانشگاه رفت و روان‌شناسی خواند. فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد شد و جذب محیط کار، مدتی در بیمارستانی مشغول به فعالیت شد اما روحش تاب دردها و زنج‌های مردم را نیاورد. رویاهای دوران کودکی رهایش نمی‌کرد. هربار به میدان نقش‌چهان می‌رفت و نقش‌ها و طرح‌های اسلیمی را می‌دید، دلش می‌رفت و می‌خواست کاری کند، و دوباره آن طرح‌های کودکی را نقش بزند. یک روز، دیگر تصمیمش جدی شد و به کارگاه میناکاری نزدیک خانه‌شان رفت.

دو سال آنجا قبل زدم اما بی‌فایده و بی‌نتیجه ماند. بیشتر کار بود تا هنر.

سرانجام آوازه کلاس‌های اتحادیه صنایع‌دستی سازمان میراث فرهنگی به گوشش خورد و راهی کارگاه استاد میناکاری این اتحادیه شد. اینجا بود که به‌راستی با هنر میناکاری آشنا شد. حالا او سال‌هاست میناکاری می‌کند. هنر کده خودش را هم راه انداخته. در کنار همه این‌ها مربی ژیمناستیک کودکان هم هست، همین‌طور مربی رزمی‌کاری و کار با سلاح‌های سرد. ندا با اینکه متولد ۶۷ است، لحظه‌ای آرام و قرار ندارد. به قول خودش تنها برای کارهای بازاریابی محصولات هنر کدهاش چندین کفش صاف کرده. «ندا حیدری پیر بلوط» این روزها در پی ساخت اثری ماندگار است که بتواند آن رادر فهرست آثار هنری یونسکو به ثبت برساند. دختری که دست تنها توانست کارگاهی پررونق

راه بیندازد و در فضای رقابتی صنایع‌دستی اصفهان جایی برای خودش باز کند.

#### ■ ندا میناکاری می‌آموزد

«بعد از فارغ‌التحصیلی در رشته روان‌شناسی و گرفتن کارشناسی ارشد، مدتی کوتاه در بیمارستانی مشغول به کار شدم. دردها و غصه‌های دیگران به‌شدت آرام می‌داد. دلم می‌خواست کار هنری را که از بچگی دوست داشتم دنبال کنم، برای همین رفتم سراغ یادگیری میناکاری.»

ندا حیدری پیر بلوط، سن و سال کمی دارد اما بسیار پرنرژی و فعال است. او یادگیری میناکاری را از کارگاه آموزشی نزدیک خانه‌شان آغاز می‌کند: «من اصل کار را از بچگی‌ام شروع کرده بودم. کلاس‌های طراحی می‌رفتم اما به‌شدت جذب هنر مینا شده بودم. برای همین رفتم کارگاهی برای آموزش اما متأسفانه دو سال کار کردم و خیلی کم آموختم. بیشتر کار بود تا یادگیری هنر.» برای اینکه بتواند این هنر را بیاموزد، به کلاس‌های اتحادیه صنایع‌دستی سازمان میراث فرهنگی می‌رود: «در این کارگاه‌ها استاد بسیار کارآزموده‌ای داشتم، همانجا توانستم فوت‌وفن کار

### پیش‌زمینه

# “

می‌رسانم بسیار خوشحال می‌شوم، گویی طرحی از بهشت وارد زندگی مردم شده‌است.»

اندکی بعد طرح و ایده‌های او پیرامون فعالیت کلی کمپانی، سبب انتقال او به حوزه‌اداری شد. سپس به دلیل توانمندی‌های بالای که از خود نشان داد توانست وارد هیئت‌مدیره و سرانجام رییس کمپانی شود. برتاری تعریف می‌کند: «زمانی که می‌خواستم در صنعت داروسازی کشور فعالیت کنم، بسیاری از متخصصان انگلیسی که با توانایی من آشنا بودند من را از این کار نهی کردندو گفتند که سوئیس کشور مناسبی برای این کار نیست اما زمانی که برخلاف نظر آن هادر کشور خودم این کار را آغاز کردم وبه این موفقیت بزرگ دست یافتم، تک‌تک آن‌ها از انگلستان برای همکاری به سوئیس آمدند!»

# آفرینش

می‌توانیم از صفر شروع کنیم



## کتینو | ۰۹

خطایی استفاده می‌کنند. من خودم اسلیمی و پردازش را بسیار دوست دارم و به همین دلیل این دو طرح را با هم ترکیب کردم. خطایی بسیار پرکار است و چندان موردعلاقه من نیست. اسلیمی بیشتر رویش گیاه است. گل‌ها روی ظروف جان می‌گیرند و من عشق می‌کنم.»

می‌گویند هنر میناکاری هنر عشق و آتش است. باید طرح‌ها را با عشق روی ظروف درآورد و بعد به دل کوره سپرد: «کوچک‌ترین ترکی کار را خراب می‌کند. باید مراقب کار در کوره هم بود. من دارم روی کاری نقش می‌زنم که تمام استانداردهای ثبت در فهرست آثار یونسکو را داشته باشد. هردو سال این نهاد جهانی این انتخاب را می‌کند. امیدوارم این بار نوبت کار من باشد و بتواند جهانی شود.»

او مدت‌ها نیز خاتم‌کاری را نزد دای‌اش که استاد کار نمونه‌ای در این هنر است آموخته: «با اینکه خاتم‌کاری را دوست دارم و معتقدم آدم باید کارها و هنرهای متعددی را یاد بگیرد اما به نظر من، هنرمند تنها در یک هنر است که باید بی‌نقص باشد و من میناکاری را انتخاب کرده‌ام. میناکاری نمایانگر هنری بی‌مانند است. همان طرح‌هایی را دارد که گویی در بهشت آدم و خوا دیده‌اند و در فکر و ذهن ما جاری می‌شود.»

ندا ناراحت‌است که چرا سازمان میراث فرهنگی و صنایع‌دستی کمترین حمایتی از هنرمندان نمی‌کند. با این همه می‌گوید: «باید هرکس خودش را بدون انتظار از سازمان تقویت کند. یکی از مهم‌ترین مراحل کار ما بازاریابی است. من امروز بیشتر کارم را از طریق بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی به فروش می‌رسانم. البته راه‌های دیگری را هم در این زمینه امتحان می‌کنم. وقتی کاری که دوست دارم را به فروش می‌رسانم بسیار خوشحال می‌شوم، گویی طرحی از بهشت وارد زندگی مردم شده‌است.»

#### ■ مربی‌گری سلاح‌های سرد

ندا نه‌تنها کار میناکاری را پیش می‌برد، بلکه در زمینه ورزش هم گام‌های بلندی داشته و علائق خاصی دارد: «از پنج‌سالگی ژیمناستیک و هنرهای رزمی را آموختم. در ۲۳سالگی مربی‌گری سلاح‌های سرد را گرفتم و حالا هم مربی ژیمناستیک کودکان هستم.»

ورزش به روحیه مبارز و مقاوم او در امور مختلف بسیار کمک کرده و توانسته او را کارآمد کند: «ورزش بر روحیه من بسیار تاثیرگذار بوده. در مواردی که احساس ناامیدی می‌کردم این تاثیرگذاری به دادم می‌رسید و مرا تقویت می‌کرد تا بتوانم ادامه دهم و از آن نیفتم.»

ندا پیشنهاد می‌کند اگر کسی دنبال کار و زندگی آرام است سراغ میناکاری برود: «اگر کسی می‌خواهد آرامش خاطر داشته باشد، سراغ این کار بیاید، چون در این هنر زمان‌هایی هست که فرد می‌تواند دور از همه در کارگاه خود مشغول به کار باشد. به دور از فشار و نگرانی‌های آن سوی کارگاه. اگر چه بازاریابی تا حدودی انرژی آدم را می‌گیرد اما مهم‌ترین قسمت کار که همان کار در کارگاه است، آرامش خاطر عمیقی در هنرمند ایجادمی‌کند. شاید برای همین آرامش است که بسیاری از افراد تنها برای یادگیری به کارگاه من مراجعه می‌کنند، یعنی بیشتر از اینکه دنبال رونق کار باشند، دنبال فراگیری این هنر هستند. با این همه برای من هردو این‌ها در کنار هم معنا پیدا می‌کند.»

هدفی که برای خودش تعیین کرده این است: «همین‌طور که لباس‌های صنایع‌دستی مورد استقبال مردم قرار گرفته و جزئی از زندگی روزمره آن‌ها شده، میناکاری هم به همین صورت جزئی از زندگی روزمره مردم شود.»

در حال حاضر قرار است با گروهی ایرانی-اروپایی همراهی کند که کارشان تزئینات داخلی خانه‌هاست. ندا برای آن‌ها ظروف و میناکاری خاصی تهیه می‌کند تا بتوانند در کارهای تزئینی و دکوری خانه‌های ایرانی و اروپایی آن‌ها را به کار ببرند.

و CosmoGirl و Teen هم گذشت. طبق Vogue هم‌گذشت. طبق آمار تحلیلی گوگل، در سال ۲۰۰۹، سایت اشلی در ماه ۷ میلیون بازدیدکننده داشته که ۶۰ میلیون بار صفحات سایت را باز کرده‌بودند. در رده بندی های مختلف پربازدیدترین وب‌سایت‌ها هم موفقیت‌هایی داشت که بعضا خودش هم باورشان نمی‌کند. «از اپرا وینفیری جلو زدم!» به قول خودش داشتن این تعداد مخاطب باعث شده بتواند هرچه دلش می‌خواهد بگوید. «هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم آدم اثرگذاری شوم.» درواقع سایت چنان موفق شد که اشلی در هفده‌سالگی تبدیل شد به یک میلیون و به حکم قانون بزرگسال شناخته شد. در اهمیت ماجرا همین بس که اشلی در حقیقت هیچ‌وقت چیزی نفروخت! از روز شکل‌گیری ایده سایتش، این کارآفرین جوان که

کاربرهای این شبکه اجتماعی این‌ها مثل لباس بود. بعضی‌ها هم مدام ظاهر صفحه‌هایشان را عوض می‌کردند. اشلی می‌گوید: «تمام مسئله سایت این است که به دخترها چیزهایی بدهد که دلشان می‌خواهد داشته باشند.»

بازدیدکنندگان سایت زیاد شدند و از تعداد بازدیدهای آنلاین مجلات پرمخاطب نوجوانان مانند Seventeen

منبع اصلی: Fact Company



● **نگاه** ●  
● **رویا کوهستانی** ●

|||||

### چرا سازمان‌ها باید

### کارآفرین شوند؟

بسیاری از شرکت‌ها به لزوم کارآفرینی شرکتی پی برده‌اند، درواقع این گونه تغییر گرایش در استراتژی، در پاسخ به سه نیازی است که بر شرکت‌ها تحمیل شده‌است. این یادداشت نگاهی دارد به ضرورت پیاده‌سازی کارآفرینی سازمانی در شرکت‌ها که موجب می‌شود نیروهای خلاق و توانمند بتوانند نقش موثری در توسعه و بهرموری سازمان ایفا کنند و همچنین موجب نگه داشت این نیروها در سازمان می‌شود.

۱. افزایش سریع رقبای جدید  
۲. ایجاد حس بی‌اعتمادی نسبت به شیوه‌های مدیریت سنتی در شرکت‌ها  
۳. خروج بهترین نیروهای کار از شرکت‌ها و اقدام آن‌ها به کارآفرینی مستقل  
در خصوص نخستین مورد، نوآوری و ارائه محصولات جدید به‌قدری سرعت یافته که تغییرات، ابتکارات و بهبودها به امری عادی در بازارهای فروش تبدیل شده‌است. از این رو شرکت‌ها یا باید به نوآوری بپردازند یا محکوم به فنا هستند.

دوم اینکه با توجه به حرکت سریع محیط به سوی پیچیدگی بیشتر و نبود پایداری در شرایط محیطی بازار، شیوه‌های سنتی مدیریت نمی‌تواند پاسخگوی این گونه چرخش‌های شدید در محیط باشد و تطبیق نشدن سریع آن با شرایط تصمیم‌گیری در چنین محیط‌های جدیدی، نوعی بی‌اعتمادی را نسبت به سبک‌های مدیریت سنتی ایجاد کرده‌است.

سومین مشکل، ترک شایسته‌ترین افراد شرکت برای اقدام به کارآفرینی مستقل است. از علل اصلی تشویق افراد به ترک شرکت‌های خود می‌توان به پاداش‌های حاصل از کارآفرینی مستقل اشاره کرد همچون رفاه اقتصادی و اجتماعی، شهرت و استقلال در تصمیم‌گیری. همین عوامل سبب می‌شود کارکنان جوان و باسابقه شرکت‌ها بیش‌ازپیش به کارآفرینی ترغیب شوند.

البته این بحث بسیار طولانی و قابل تامل است و در چند سطر قابل‌ارائه نیست اما به صورت خلاصه به برخی از تعاریف این حوزه می‌پردازیم.

#### ■ کارآفرین سازمانی

کارآفرین سازمانی فردی است که در سازمانی بزرگ همچون کارآفرین مستقل عمل کند. از نظر شرکت، مزایای داشتن کارآفرینان سازمانی آشکار است، چراکه این گونه افراد به معرفی و تولید محصولات، خدمات و فرآیندهای جدید می‌پردازند و بدین ترتیب موجب رشد و سوددهی آن می‌شوند.

#### ■ کارآفرینی سازمانی

۱. کارآفرینی شرکتی مفهومی چندبعدی است که فعالیت‌های شرکت را متوجه نوآوری محصول، نوآوری در فناوری، مخاطره‌پذیری، و پیشگامی می‌سازد.

۲. کارآفرینی شرکتی به مفهوم تعهد شرکت به ایجاد و معرفی محصولات جدید، فرآیندهای جدید و نظام‌های سازمانی نوین است.

۳. در کارآفرینی سازمانی، ظرفیت مالی را شرکت مادر تعیین می‌کند. منابع خارجی بدون رضایت شرکت مادر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. اما در کارآفرینی مستقل، ظرفیت مالی را خود فعالیت تعیین می‌کند. همه منابع می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند.

۴. در کارآفرینی سازمانی، تشریفات اداری در بخش‌هایی نظیر حسابداری، پرسنلی، قراردادها، روابط عمومی، تبلیغات و خدمات به مشتری به وسیله شرکت مادر تعیین می‌شود. اما در کارآفرینی مستقل، تشریفات اداری در حیطه اختیارات مدیر و بسیار کم است.

۵. در کارآفرینی سازمانی، موفقیت پول زیادی را برای کسانی که در فعالیت مخاطره‌آمیز جدید کار می‌کنند به دنبال نخواهد داشت. موفقیت می‌تواند به معنای ارتقا باشد. شکست موجب برکنار شدن مدیران از شغل‌های خود نخواهد شد. آن‌ها می‌توانند به شرکت مادر بازگردند. اما در کارآفرینی مستقل، کارآفرین و سرمایه‌گذاران ممکن است میلیون‌ها دلار پول به دست آورند و موفقیت می‌تواند به معنای استقلال مالی باشد.

۶. در کارآفرینی سازمانی، اداره کردن یک فعالیت مخاطره‌آمیز در صورتی موجب پیشرفت شغلی می‌شود که به موفقیت دست یابد و در صورتی پیشرفت شغلی را به تأخیر می‌اندازد که با شکست مواجه شده باشند. اما در کارآفرینی مستقل، اداره کردن یک شرکت مستقل احتمالاً پیشرفت شغلی را افزایش خواهد داد؛ خواه آن شرکت به موفقیت دست یابد خواه نه.

عضو هیئت‌مدیره انجمن زنان کارآفرین